

اردوغان جریان‌های ملی‌گرا را در جریان‌های مذهبی ادغام کرد

ولي گل‌محمدی، عضو هیات ملی دانشگاه
تربیت مدرس در گفت‌وگو با «اعتماد»:

شهاب شهسواری

روز یکشنبه مارا تن انتخاباتی در ترکیه به پایان رسید و رجب طیب اردوغان توانست با چهار درصد اختلاف نسبت به کمال قلیچ‌دار اوغلو، نامزد اپوزیسیون، ریاست‌جمهوری خود را برای ۵ سال دیگر تضمین کند. مخالفان اردوغان با توجه به بحران اقتصادی و نارضایتی‌های عمومی از عملکرد اردوغان، فرصت بسیار خوبی داشتند که به حاکمیت ۲۰ ساله اردوغان بر ترکیه پایان بدهند، اما در این مسیر توفیقی به دست نیاوردند تا اردوغان دست‌کم تا سال ۲۰۲۸ در مقام ریاست‌جمهوری ترکیه باقی بماند. در گفت‌وگو با ولي گل‌محمدی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس نتایج انتخابات در ترکیه را بررسی کردیم و نظر این استاد دانشگاه را در مورد دلایل پیروزی مجدد اردوغان و سیاست‌های او در دوره جدید جویا شدیم. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «اعتماد» را با ولي گل‌محمدی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس مطالعه می‌کنید.

فکر می‌کنید دوره جدید ریاست‌جمهوری اردوغان استمرار و تداوم سیاست‌های پیشین باشد یا شاهد تحولی در نحوه حکمرانی اردوغان و حزب عدالت و توسعه باشیم؟

نخست باید بررسی کنیم مهم‌ترین عوامل و متغیرهایی که باعث انتخاب مجدد رجب طیب اردوغان و شکست اپوزیسیون شد، چه چیزهایی بودند. به رغم فرصت بی‌سابقه‌ای که برای اپوزیسیون ترکیه ایجاد شده بود، از بحث بحران‌های اقتصادی بگریزید تا وضعیت شاخص‌های حقوق بشری و دموکراسی و زلزله‌ای که بهمن‌ماه گذشته رخ داد، مخالفان نتوانستند به ۲۰ سال حکومت اردوغان پایان دهند. اما این پیروزی هم پیروزی قاطع و بلامنازعی برای اردوغان نبود، همین که انتخابات ریاست‌جمهوری به دور دوم رفت، به معنای آن است که اردوغان از

رای‌دهندگان ترکیه کارت زرد گرفت؛ بدون تردید این واقعیت رفتار اردوغان را چه در داخل و چه در سیاست خارجی محتاط‌تر خواهد کرد. به تعبیری تصویر کلان از انتخابات ترکیه این است که آقای اردوغان پیروزی شکننده‌ای داشت. در نقطه مقابل، ائتلاف اپوزیسیون به رهبری کمال قلیچ‌دارای نتوانست در مورد حوزه‌هایی که قصد تحول در نحوه حکمرانی ترکیه داشت، شهروندان ترکیه را قانع کند. از این منظر اگر بخواهیم بررسی کنیم که سیاست‌های اردوغان در داخل و خارج تغییر می‌کند یا تحول پیدا می‌کند، به عقیده من شاهد تغییرهای رادیکال در سیاست خارجی و داخلی ترکیه نخواهیم بود. یکسری تحولات تاکتیکی به احتمال زیاد رخ می‌دهد. این تحولات متأثر از سه مولفه، روند یا پیشرانی است که بخشی به خاطر نتایج این انتخابات است و بخشی از آن‌هم روندهایی است که از سال‌های گذشته شروع شده بود و الان به مسائل کلیدی منازعات و مناظرات سیاست داخلی ترکیه تبدیل شده است. نخستین مساله، بحران اقتصادی کنونی ترکیه است. رجب طیب اردوغان، در داخل اولویت اصلی خود را مساله اقتصاد قرار می‌دهد. تصور می‌کنید اردوغان بتواند بر بحران اقتصادی کنونی ترکیه غلبه کند؟

در طول سال‌های گذشته رفتار، اظهارنظرها، آرایش سیاسی- حزبی و ائتلاف‌های اردوغان و اطرافیان‌ش بر مبنای افزایش بخت پیروزی در انتخابات ۱۴ مه ۲۰۲۳ بود. اما بعد از پایان انتخابات، اولویت اصلی او بحران اقتصادی خواهد بود. ترکیه در سال‌های پیش رو با وضعیت اقتصادی دشوارتری مواجه خواهد شد. بدهی خارجی ترکیه بالای ۴۸۰ میلیارد دلار رفته است. بدهی‌های خارجی با سررسید یکسال یا کمتر بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار است. اردوغان توانسته بود برخی پرداخت‌های خارجی را به ویژه در حوزه انرژی، مثلاً در مورد خریدهای نفت و گاز از روسیه، با توجه به نزدیک بودن فصل انتخابات به تاخیر بیندازد تا فشار ارزی به اقتصاد ترکیه را پیش از انتخابات کاهش بدهد. برای اینکه ارزش برابری لیر در مقابل ارزهای خارجی حفظ شود در طول سال‌های اخیر ریخت و پاش‌های ارزی زیادی از سوی دولت اردوغان باعث شد مجموع ذخایر ارزی ترکیه به کمتر از ۶۵ میلیارد دلار برسد که بخشی از این ذخایر ارزی هم متعلق به ترکیه نیست و پول‌هایی است که به عربستان، امارات متحده عربی، قطر، لیبی، آذربایجان و دیگر کشورهای منطقه رسیده است که در صندوق ذخیره ارزی ترکیه وجود دارد.

زلزله بهمن‌ماه گذشته ترکیه و اثر آن را هم بر وضعیت اقتصادی ترکیه نباید از نظر دور داشت. نزدیک به ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه از مناطق زلزله‌زده تامین می‌شد و احتمالاً در سال‌های

پیش رو سهم این مناطق در تولید ناخالص داخلی ترکیه کاهش پیدا خواهد کرد و از طرف دیگر بازسازی مناطق بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار پول داغ نیاز دارد.

با توجه به این مسائل، اولویت اردوغان بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی ترکیه خواهد بود. به رغم این مسائل، اردوغان در تبلیغات کارزار انتخاباتی خود در دور دوم هم تاکید کرد که به سیاست‌های نامتعارف یا Unorthodox اقتصادی خود ادامه می‌دهد و همچنان معتقد است که باید نرخ بهره را پایین نگه دارد. برآوردها نشان می‌دهد که در چشم‌انداز آینده روند تورم ترکیه صعودی خواهد بود و شاهد تداوم کاهش ارزش لیر خواهیم بود، فرار سرمایه در ترکیه اتفاق می‌افتد و تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جدید در ترکیه وجود نخواهد داشت. اینها مسائلی است که اردوغان آنها را برای پنج سال پیش رو پیش‌بینی کرده است و تلاش خواهد کرد که مسائل اقتصادی را بیش از سایر مسائل در اولویت قرار دهد.

اما مساله اقتصاد يك بعد قضیه است. پیش‌رانه و مولفه دیگر سیاست ترکیه در حال حاضر، ورود يك بازیگر جدید در سیاست ترکیه است که ملی‌گرایان ترك هستند. شگفتی‌ساز این دوره از انتخابات با نزدیک به ۱۳ میلیون رای جریان‌های ملی‌گرا بودند، بخشی از آنها ملی‌گرایان افراطی هستند و بخشی دیگر ملی‌گرایان میانه‌رو هستند. مثلاً حزب خوب که در ائتلاف اپوزیسیون قرار داشت یا حزب MHP یا حرکت ملی که متحد اردوغان است یا سینان اوغان که نامزد انتخابات بود و در دور دوم از ائتلاف جمهور به رهبری رجب طیب اردوغان حمایت کرد. در شرایط کنونی ما شاهد بازگشت مرجعیت ملی‌گرایی ترکی به صحنه سیاسی ترکیه هستیم. بدون تردید این جریان‌ها محدود به پارلمان نخواهد ماند و به احتمال زیاد در کابینه آینده اردوغان هم نقش پررنگی خواهند داشت و در بسیاری از پرونده‌هایی که در داخل و خارج از ترکیه است، ملی‌گراها نفوذ زیادی دارند. مثلاً پرونده سیاست‌های ترکیه در مقابل شهروندان کرد این کشور، با مساله ملی‌گرایان ترك گره خورده است. من سال‌های آینده را علاوه بر بحران اقتصادی، سال‌های سختی برای قوم کرد ترکیه می‌بینم و پیش‌بینی می‌کنم که به‌شدت عرصه برای فعالیت سیاسی کردها تنگ شود و این احتمال وجود دارد که آنکارا به خاطر رفتار دولت با کردها با اروپا و غرب به مشکلات اساسی برخورد. سهم شدن ملی‌گراها در پیروزی اردوغان چه در انتخابات پارلمان و چه در انتخابات ریاست‌جمهوری باعث می‌شود که بخشی از اختیارات و پرونده‌ها به آنها تفویض شود. تصور من این است که در طول پنج سال آینده روند اقتدارگرایی فردی آقای اردوغان افزایش پیدا کند و چندان نگرانی در مورد واکنش‌های حقوق‌بشری یا دموکراسی‌خواهی غرب هم

نخواهد داشت. اما در مجموع پیش‌بینی نمی‌کنم تحول رادیکالی در سیاست داخلی ترکیه رخ دهد.

قبل از انتخابات رسانه‌ها صحنه رقابت انتخاباتی در ترکیه را به نوعی رقابت میان شرق و غرب صورت‌بندی کرده بودند، اینکه ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه از پیروزی اردوغان حمایت می‌کند و دولت‌های غربی از پیروزی مخالفان او خوشحال‌تر می‌شوند. فکر می‌کنید دولت‌های غربی تا چه اندازه از نتیجه این انتخابات ناراضی باشند؟

جو بایدن، رییس‌جمهور آمریکا، در کارزارهای انتخاباتی خود، بخشی از برنامه سیاست خارجی خود را به ترکیه اختصاص داده بود و اظهارات مهمی مطرح کرد که در ترکیه جنجال‌آفرین شده بود. رییس‌جمهوری آمریکا گفته بود که واشنگتن به دنبال تغییر رژیم در ترکیه، از طریق مکانیزم‌های انتخاباتی و تقویت اپوزیسیون است. واقعیت این است که اگر جنگ اوکراین اتفاق نمی‌افتاد و ترکیه اردوغان تعریف و جایگاه متفاوتی برای غرب پیدا نمی‌کرد، به احتمال زیاد شاهد رویکرد تهاجمی بیشتر اروپا و آمریکا علیه اردوغان بودیم. واقعیت این است که به‌رغم تبلیغ‌های رسانه‌ای و تصویرپردازی‌هایی که در رابطه با اقتدارگرایی اردوغان در رسانه‌های غربی انجام می‌شود، اما در سطح رسمی و رده بالای دولت‌های غربی، چندان شاهد رفتارها و تلاش‌های براندازانه علیه اردوغان نبودیم؛ حتی می‌شود گفت تا پیش از انتخابات اخیر، غرب به این نتیجه رسیده بود که باید با ترکیه اردوغان همزیستی داشته باشد و اردوغان را در داخل ترکیه بپذیرد. این مساله ناشی از نگرانی‌های جدیدی است که اتحاد دوسوی اقیانوس اطلس در مورد دریای سیاه و جنگ اوکراین پیدا کرده است. اردوغان یکسری ظرفیت‌هایی در روابط با روسیه ظرفیت‌هایی دارد که رقیب او، کمال قلیچ‌دار اوغلو، فاقد آنها بود. غرب تعامل‌های دیپلماتیک خودش را با روسیه از طریق ترکیه پیش می‌برد. ظرفیت ترکیه در وساطت میان غرب و روسیه، بیش از آنکه بنا شده بر ساختار سیاسی و ظرفیت‌های کشور ترکیه باشد، مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی رجب طیب اردوغان است؛ بنابراین، اردوغان مزیتی را برای غرب ایجاد کرده بود که بتواند سطحی از تعامل و توازن در مدیریت تنش‌ها با روسیه پوتین داشته باشد. به همین دلیل رنگ ضداردوگانی اظهارنظرها و رفتارهای دولت‌های غربی در آستانه انتخابات به شکل معناداری فروکش کرد. نباید فراموش کرد که هیچ عضوی از ناتو به اندازه ترکیه به روسیه متصل نیست.

در برابر ولادیمیر پوتین، به اردوغان اولویت می‌داد و البته پیش‌بینی می‌کردند که اردوغان کار سختی در انتخابات نداشته باشد. تصویر مسکو این بود که اگر تغییر و تحولی در راس هرم قدرت ترکیه

رخ بدهد، دیگر شاهد استقلال عمل نسبی ترکیه در تعامل با روسها نخواهیم بود و به همین دلیل رسمی و غیررسمی از اردوغان حمایت می‌کردند.

فکر می‌کنید ائتلاف اردوغان و ائتلاف رقیب که اقلیت نسبتاً قدرتمندی دارد، تا چه اندازه تا انتخابات بعدی پایدار بماند؟

حزب عدالت و توسعه از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ برای نخستین بار در انتخابات پارلمانی اکثریت انفرادی خود را در پارلمان و هژمونی خود را در قوه مقننه از دست داد. از آن دوره و به ویژه بعد از کودتای ۲۰۱۶ اردوغان و هم‌حزبی‌هایش به این نتیجه رسیدند که باید به سمت ائتلاف با احزابی بروند که بتوانند در ساختار حاکمیت هم از رای آنها بهره‌مند بشوند و هم توانایی مدیریت عملکرد آنها را داشته باشند. در این مسیر عدالت و توسعه، ائتلاف با حزب حرکت ملی و ملی‌گراها را انتخاب کرد که یک تحلیل دقیق و موفق داشتند. ائتلاف با این حزب و رهبرش دولت باچه‌لی، توانست با دستکاری احساسات ناسیونالیستی جامعه ترکیه و همچنین امنیتی‌سازی مساله کردها، این حزب و بدنه اجتماعی آن را به اردوغان و حزب عدالت و توسعه نزدیک بکند تا حدی که می‌توان گفت در این انتخاب MHP یا حزب حرکت ملی در محافظه‌کاران مذهبی حزب عدالت و توسعه ذوب شدند. در پنج سال گذشته جوری مهندسی اجتماعی انجام شد که بدنه اجتماعی ملی‌گراها و محافظه‌کاران مذهبی در هم تنیده شد. اینجا منظور از ملی‌گراها، بخشی است که از حزب حرکت ملی حمایت می‌کنند، ملی‌گرای افراطی‌تری هم هستند که طرفدار خانم مرآل آکشنر و حزب خوب او هستند و از ائتلاف مخالفان حمایت کردند.

اردوغان از یک طرف نسبت به آرای راست‌گرای دیندار و محافظه‌کار در ترکیه برای خودش اطمینان داشت و می‌دانست که نیاز به ۱۰ درصد رای بیشتر دارد که در این راستا اتحاد به حزب حرکت ملی را انتخاب کرد. ائتلافی که بین عدالت و توسعه و حرکت ملی شکل گرفته، فقط مربوط به این انتخابات نیست، ائتلافی است که از سال ۲۰۱۷ و همه‌پرسی قانون اساسی شکل گرفته بود و در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۸ هم ادامه داشت. در برابر ائتلاف اپوزیسیون به‌شدت اتحاد شکننده‌ای دارند و هیچ بعید نیست که به زودی شاهد به هم خوردن میز شش‌نفره (ائتلاف مخالفان در انتخابات اخیر) باشیم. ائتلاف مخالفان یک ائتلاف نامتجانس است که از چپ لیبرال تا راست ملی‌گرا، از چپ کردی تا محافظه‌کاران مذهبی در آن حضور دارند. هر چقدر ائتلاف اپوزیسیون جوان، تحت شرایط خاص و فقط با یک هدف تشکیل شده بود، بر عکس ائتلاف ملی‌گرایان با اردوغان هم استمرار خواهد داشت و هم برنامه‌ای پشت آن است که ایدئولوژی حاکم بر این دو دسته به نوعی

همگن شود. من معتقدم که در دوره پیش رو شاهد ترکیبی از ملی‌گرایی با محافظه‌کاری مذهبی در ترکیه خواهیم بود. این اردوغان نیست که ملی‌گرا شده است، بلکه او ملی‌گراها را محافظه‌کار کرده است. به نظرم این ائتلاف در قالب یک چتر ایدئولوژی کلان در هم ادغام شده‌اند و در آینده هم این اتحاد ادامه خواهد داشت.

یکی از موضوع‌های اصلی که در انتخابات اخیر مورد توجه بود و دو طرف روی آن تاکید می‌کردند، مساله مهاجران خارجی و به ویژه پناهنجویان سوری در ترکیه بود. فکر می‌کنید برخورد دولت جدید ترکیه با مهاجران سوریه چگونه باشد؟

رویکردی که کمال قلیچ‌دار اوغلو با موضوع مهاجران داشت، خیلی اصالت عملیاتی و برنامه‌ریزی مطالعه‌شده‌ای نداشت. به خصوص در تبلیغات دور دوم که آقای قلیچ‌دار اوغلو تبلیغات ضد‌مهاجر و بیگانه‌ستیزانه را تشدید کرد، به خاطر این بود که می‌خواست بخشی از آرای ملی‌گراهای مردم را به خود جلب کند که خیلی هم در این زمینه موفق نبود. در واقع قلیچ‌دار اوغلو در زمینی بازی می‌کرد که اردوغان استاد آن است. نگاه اردوغان نسبت به پناهنجویان سوری یک نگاه چندوجهی است و اصلاً نگاه او بخشی و جزیره‌ای نیست. رجب طیب اردوغان بعد اقتصادی، بعد نارضایتی اجتماعی- مدنی کردها و بعد روابط خارجی با دمشق را هم در نظر می‌گیرد. پناهنجویان یک سرمایه مهم برای آنکارا برای آینده روابط ترکیه با سوریه محسوب می‌شوند. اردوغان دیروز اعلام کرد که ۶۰۰ هزار پناهنجوی سوریه به صورت داوطلبانه به کشور خودشان بازگشته‌اند و قرار است ترکیه یک میلیون نفر دیگر را هم به خاک سوریه بازگرداند. اما برای این کار هم اردوغان برنامه‌ریزی‌هایی را از گذشته انجام داده است، ترکیه در مناطقی از خاک سوریه که طی عملیات‌های چندگانه از سال ۲۰۱۶ تاکنون تصرف کرده است شهرک‌سازی‌هایی را آغاز کرده است و قصد دارد که این پناهنجویان را به این مناطق بازگرداند. در واقع عملیات بازگرداندن پناهنجویان سوری توسط دولت اردوغان، در چارچوب یک چشم‌انداز استراتژیک تعریف می‌شود تا در آینده بتواند ترکیب جمعیت منطقه‌ای را به ضرر کردهای شمال سوریه به هم بزند و ساختار اجتماعی، سیاسی و امنیتی نوار شمالی سوریه را در دست خودش بگیرد و در واقع زمانی که نظامیان ترکیه‌ای را از این مناطق خارج می‌کند، نفوذ خود را در این منطقه حفظ کند.

به نظر من مساله پناهنجویان برای اردوغان، بخشی از گفت‌وگوهای عادی‌سازی روابط با دولت بشار اسد، رییس‌جمهور سوریه هم هست. در ماه‌های آینده پیش‌بینی می‌کنم که در ماه‌های آینده سطوح مختلف گفت‌وگوها برای عادی‌سازی روابط با دمشق در دستور کار آنکارا قرار

می‌گیرد و دولت ترکیه از بحث پناهجویان به عنوان بخشی از دستور کار گفت‌وگوها استفاده خواهد کرد.

به اعتقاد من اردوغان مدیریت به مراتب حرفه‌ای‌تری در بحث پناهجویان در پیش گرفته است که نسبت به اظهارات قلیچ‌دار اوغلو که فقط می‌گفت می‌خواهم پناهجویان را اخراج کنم، بسیار جامع‌تر، صبورانه‌تر، بلندمدت‌تر و استراتژیک‌تر بود.

بر اساس قانون این آخرین دوره ریاست‌جمهوری پنج‌ساله اردوغان محسوب می‌شود. به هر تقدیر اردوغان تلاش خواهد کرد تا قدرت پس از پایان دوره پنج‌ساله همچنان در اختیار او و اطرافیان و حزب عدالت و توسعه باقی بماند. فکر می‌کنید در این دوره چه برنامه‌ای برای بحث جانشینی اردوغان در پیش گرفته شود؟

هم به لحاظ جسمی و سلامتی و هم به لحاظ قانونی این دوره آخر رجب طیب اردوغان است. هر چند عده‌ای اعتقاد دارند که راه‌هایی برای دور زدن قانون وجود دارد و اردوغان می‌تواند بدون پایان دادن به دوره کامل پنج‌ساله ریاست‌جمهوری بعد از چهار سال انتخابات زودهنگام برگزار کند و چون دو دوره کامل پنج‌ساله رییس‌جمهور نبوده، می‌تواند قانون را دور بزند باز هم در انتخابات نامزد شود. اما این گزینه چندان موضوعیت ندارد. احساس من این است که ترکیه از همین امروز به فکر مساله جانشینی می‌افتد. درست است که انتخابات ریاست‌جمهوری برای نخستین‌بار به دور دوم کشیده شد و اردوغان در دور دوم رای آورد، درست است که حزب عدالت و توسعه به تنهایی اکثریت را در پارلمان در اختیار ندارد، اما واقعیت این است که هنوز نیروی سیاسی غالب در ترکیه محافظه‌کاران مذهبی هستند و یک جریان جدید هم با آنها متحد شده است و در یک چارچوب ملی-مذهبی در هم ادغام شده‌اند و به اکثریت تبدیل شده‌اند.

مهندسی سیاسی و اجتماعی ترکیه به سمتی خواهد رفت که حزب عدالت و توسعه متحول شود و از نگاه محافظه‌کاری مذهبی خود خارج شود و به نوعی عناصر ملی‌گرایی را در خودش ادغام کند و شاهد جابه‌جایی چارچوب ترک-اسلام به جای اسلام-ترک باشیم.

پیش‌بینی من این است که برای بحث جانشینی شاهد این پوست‌اندازی در حزب عدالت و توسعه باشیم. احتمالاً شخصیت‌هایی که در این چارچوب طرفداران بیشتری داشته باشند و بتوانند با هر دو طیف ملی‌گرا و مذهبی کار کنند، روی کار خواهند آمد. نظر من این است که در شرایط افرادی مانند سلجوق بیرقدار که داماد آقای اردوغان است که هم یک راست‌گرای دیندار است و هم محبوبیت زیادی بین ملی‌گراها دارد و در این انتخابات هم دیدیم به دلیل نقشش در توسعه صنایع دفاعی ترکیه و تولید پهپادهای نظامی، محبوبیت زیادی بین ملی‌گراها پیدا کرده

است، شانس زیادی برای مطرح شدن در عرصه سیاسی ترکیه به عنوان جانشین اردوغان دارند. در جبهه دیگر افرادی هستند که هم محافظه‌کار لیبرال و هم سکولار میانه‌رو و هم در میان ملی‌گرایان طرفدار دارند؛ از جمله این افراد می‌توان از سلیمان سویلو، وزیر کشور دولت اردوغان یاد کرد.

نظام سیاسی حاکم ترکیه تلاش خواهد کرد بیش از اینکه سطح رهبری را تقویت کند، به سمت تقویت ساختارهای حزبی و ائتلافی حرکت می‌کند. در سال‌های آینده به اعتقاد من بر عکس گذشت که تلاش می‌شد بنیان‌های حاکمیت فردی اردوغان تقویت شود، تلاش شود تا بنیان‌های ائتلاف ترکیه-اسلامی تقویت شود.

همین که انتخابات ریاست‌جمهوری به دور دوم رفت، به معنای آن است که اردوغان از رای‌دهندگان ترکیه کارت زرد گرفت؛ بدون تردید این واقعیت رفتار اردوغان را چه در داخل و چه در سیاست خارجی محتاط‌تر خواهد کرد

اولویت اردوغان بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی ترکیه خواهد بود. سهم شدن ملی‌گراها در پیروزی اردوغان چه در انتخابات پارلمان و چه در انتخابات ریاست‌جمهوری باعث می‌شود که بخشی از اختیارات و پرونده‌ها به آنها تفویض شود

منبع: روزنامه اعتماد 9 خرداد 1402 خورشیدی